

انقلاب مصر و چشم‌انداز آینده آن^۱

چکیده:

انقلاب ۱۱ فوریه سال ۲۰۱۱ (۲۲ بهمن ۱۳۸۹) مصری‌ها به عنوان مادر جنبش‌های نوین عربی شناخته می‌شود؛ با آن که این انقلاب پس از سقوط حکومت دیکتاتوری تونس در ۱۴ ژانویه سال ۲۰۱۱ رخ داد اما به دلیل جایگاه و نقش سوق‌الجیشی مصر و نقش کلیدی که این کشور و حکومت آن در معادلات خاورمیانه داشت، نقطه عطف به حساب می‌آید. تا به امروز، سرنگونی حکومت ۳۰ ساله حسنی مبارک (اکتبر ۱۹۸۱ - فوریه ۲۰۱۱) که مهم‌ترین متحد آمریکا و اسرائیل در منطقه بود به عنوان بزرگ‌ترین نماد تحول در تولد خاورمیانه جدید ثبت شده است. بحث اصلی این مقاله بررسی چشم‌انداز آینده انقلاب مصر می‌باشد که بر این اساس تلاش می‌شود تا با روش توصیفی و تحلیلی، مولفه‌های تاثیرگذار در انقلاب مصر مورد بررسی قرار گیرد. چنانچه یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، کشور مصر در به ثمر رسیدن اهداف انقلابی خود با موانعی همچون دخالت آمریکا و غرب، فقدان رهبری واحد و نبود الگوی واحد حکومتی مواجه است و آینده تحولات مصر در گرو تغییر در دو متغیر قانون اساسی و رابطه با اسرائیل می‌باشد.

واژگان کلیدی: مصر، قانون اساسی، اخوان المسلمین، ارتش، اسرائیل.

^۱ مهدی بیکی، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل، پژوهشگر علوم سیاسی. mehdibeyki@gmail.com

تاریخ تصویب: ۹۰/۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۱۹

مقدمه

جمهوری عربی مصر کشوری است در شمال شرقی آفریقا که از شمال به دریای مدیترانه، از شمال غربی به باریکه غزه و رژیم اشغال‌گر قدس، از شرق به دریای سرخ، از جنوب به سودان و از شرق به لیبی منتهی می‌شود. موقعیت جغرافیایی، وسعت و جمعیت، دستاوردهای فکری و کنترل آن بر کانال سوئز و موضع آن در قبال اسرائیل، مصر را از لحاظ استراتژیکی تبدیل به یک کشور بسیار مهم نموده است. مصر یکی از قدیمی‌ترین کشورهای خاورمیانه می‌باشد. این کشور که با تاریخ چندین هزار ساله خود، از نظر بسیاری از خاورمیانه پژوهان، تنها ملت — دولت واقعی خاورمیانه است، برخلاف کشورهای مشرق عربی، کشوری دیرینه است که از تقسیمات استعماری پس از جنگ جهانی اول ناشی نمی‌شود. این نکته را شاید بتوان به عنوان یکی از عوامل اساسی تأثیرگذاری قابل توجه مصر بر تحولات خاورمیانه مدرن مطرح ساخت. مصر به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور عربی سعی در به دست گرفتن رهبری کشورهای عربی را دارد و از چند دهه گذشته جزو تأثیرگذارترین بازیگران در خاورمیانه محسوب می‌شود. این کشور که در طول سی سال گذشته تحت حاکمیت حسنی مبارک و سیاستمداران حزب دموکراتیک ملی بوده است، در عرصه داخلی شاهد سکون و ثبات نسبی بوده و مبارک تلاش کرده بود تا از هر گونه تغییر در ساختار قدرت ممانعت به عمل آورد. بر این اساس است که وی عمده مطالبات گروه‌های سیاسی مخالف برای ایجاد اصلاحات را رد نمود و سعی کرد تا روند و ساز و کارهای دموکراتیک و قانونی را جهت ممانعت از تقویت و نقش‌آفرینی گروه‌های مخالف، محدود و کنترل نماید.

از ویژگی‌های قابل توجه منطقه خاورمیانه، درهم‌تنیدگی تحولات آن و اثرگذاری دگرگونی‌های صورت گرفته در هر یک از کشورهای همجوار می‌باشد. این تأثیر و تأثر البته ممکن است از تاریخ معاصر خاورمیانه و این واقعیت ناشی شده باشد که جوامع عربی خاورمیانه که در یک قرن گذشته پایه‌های کشورهای مستقل عربی را بنا نهادند، فاقد ویژگی‌های مستقل و منحصر به فردی هستند که اغلب برای تشکیل و دوام یک ملت —

دولت لازم است. در واقع کشورهای کنونی خاورمیانه تنها با نفوذ استعمار و تحمیل تقسیمات استعماری امکان ورود به نظام بین‌الملل را به صورت کشورهای مستقل پیدا کردند. به همین دلیل و در اثر نزدیکی و درهم تنیدگی ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، این کشورها اغلب در برابر دگرگونی‌های داخلی یکدیگر به شدت نفوذ می‌پذیرند. در این سپهر است که تحولات داخلی مصر و شکل‌گیری جنبشی مخالف و فراگیر در مقابل رژیم مبارک، بعد از تحولات تونس و فرار بن‌علی رئیس‌جمهور این کشور آغاز شد و به کنارگیری مبارک از قدرت منجر شد.

تحولات مصر پس از سقوط مبارک به نوبه خود نشان‌گر آغاز مرحله جدیدی در حیات سیاسی مصر است که با تغییر در قانون اساسی، ساختار و فضای سیاسی داخلی و احتمال جهت‌گیری‌های سیاست خارجی، آن کشور را با دگرگونی‌هایی، روبه‌رو می‌کند. اما با توجه به جایگاه مهم مصر در جهان عرب و خاورمیانه، این دگرگونی‌ها به حوزه داخلی و روابط خارجی دو جانبه این کشور محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد و پیامدهای مهم منطقه‌ای دارد. از جمله مهم‌ترین مولفه‌های تحول در هر کشور، تغییر در صف‌بندی نیروهای مخالف داخلی و امکانات آن‌ها برای تحرک و بازتعریف جایگاه خود در ساختار سیاسی و معادلات قدرت کنونی است. از این‌رو، بررسی هرگونه تغییر حاصل از جایگاه و عملکرد نیروهای مخالف کمک فراوانی به درک تحولات احتمالی جهت‌گیری سیاسی هر کشور در دو عرصه داخلی و خارجی و نیز بررسی تغییرات آینده در آن کشور می‌کند. بر این اساس، از پرسش‌های اساسی بعد از بررسی مولفه‌های تاثیرگذار در انقلاب مصر، سطوح و آینده تحولات مصر است. مسئله‌ای که مشخص کردن آن در مرحله نخست مستلزم بررسی نظام سیاسی مصر و نیروهای موجود در عرصه سیاسی آن است.

نظام مصر از جمال عبدالناصر تا حسنی مبارک

با موفقیت کودتای ۱۹۵۲ م، ملی‌گرایان مصر (افسران آزاد) به قدرت رسیدند و از آن تاریخ تا دهه ۱۹۷۰ م، مصر پرچمدار ملی‌گرایی عربی بود. پس از شکست سال ۱۹۶۷ م اعراب از اسرائیل و مرگ جمال عبدالناصر و رسیدن انور سادات به حکومت مصر، این

کشور یک چرخش سیاسی کامل را تجربه کرد. در زمان سادات، مصر از رهبری جهان عرب استعفا کرد؛ این کشور با شعار «نخست مصر»، به سراغ صلح با اسرائیل و گشایش فضای سیاسی و اقتصادی و چرخش سیاسی از شرق به غرب رفت. دهه ۱۹۷۰ م، دهه گذاری بود که مصر این دگرگونی‌ها را شاهد بود.

صلح سادات با اسرائیل، تنش سیاسی در درون مصر و همچنین جهان عرب را بالا برد. امضای قرارداد صلح کمپ دیوید به طرد مصر از سوی کشورهای عربی و قطع روابط این کشورها با مصر انجامید و عضویت این کشور در اتحادیه عرب تعلیق شد. ترور سادات در سال ۱۹۸۱، آغاز تحولات جدیدی در مصر و خاورمیانه بود. به قدرت رسیدن حسنی مبارک به تداوم سیاست‌های سادات در قبال غرب و اسرائیل و همچنین پیشبرد سیاست بازگشت مصر به جهان عرب، منجر شد. سیاست بازگشت به جهان عرب به خصوص از دهه ۱۹۹۰، از سوی مصر با جدیت دنبال شده است.^۱

مصر در جهان عرب طولانی‌ترین تاریخ نوسازی را تجربه کرده است. مشکل اساسی این کشور در سده گذشته چگونگی تلفیق ملی‌گرایی با اسلام‌گرایی بوده است. هر چند نمی‌توان دولت مصر را دولتی رانتیر دانست، اما بسیاری از خاورمیانه پژوهان مصر را دارای دولتی شبه رانتیر می‌دانند؛ زیرا اقتصاد این کشور به کمک‌های خارجی، درآمد حاصل از کانال سوئز و همچنین درآمد کارگران مصری شاغل در کشورهای خلیج فارس متکی می‌باشد. دولت شبه سکولار مصر، مانع اصلی پیشبرد دموکراسی در این کشور می‌باشد. این دولت با برگزاری انتخابات فرمایشی، به تنزل میزان مشارکت مردم در اداره امور کشور کمک می‌کند.

از زمان پیروزی کودتای ۱۹۵۲ م، ارتش مصر و نیروهای امنیتی به بازیگران اساسی در صحنه سیاسی این کشور تبدیل شدند.^۲ هر سه رئیس جمهور مصر از آن دوره تاکنون از فرماندهان ارتش بوده‌اند و به باور بسیاری از ناظران، ارتش نقش اصلی را به صورت

^۱ تحولات داخلی مصر و سناریوهای آینده آن، مرکز تحقیقات استراتژیک

^۲ THE MUSLIM BROTHERHOOD AND EGYPT'S SUCCESSION CRISIS, The Politics of Liberalisation and Reform in the Middle East, Mohammad Zahid, Tauris Academic Studies, ۲۰۰۰, p۱۳۴

پشت‌پرده در صحنهٔ سیاسی مصر بازی می‌کند؛ به نحوی که هرگونه تحول در چشم‌انداز آیندهٔ مصر، بدون توجه به نقش ارتش و نگرش آن در قبال تحول مورد نظر، به درستی قابل پیش‌بینی نیست. رئیس ستاد مشترک ارتش مصر، طنطاوی، به دلیل پیری و بیماری، در صدد رسیدن به مقامی در مصر پس از مبارک نیست و تحرکی در این جهت از خود نشان نداده است. اما به نظر می‌رسد جلب رضایت ارتش از سوی هر یک از طرف‌های درگیر در مسئلهٔ جانشینی مبارک و انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۱ مصر، برای پیشبرد اهداف ضروری است.^۱

مولفه‌های تاثیرگذار در انقلاب مصر

در ادبیات نظری انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی، تاکید بر این است که جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌ها، ریشه‌های ساختاری و تاریخی درازمدت یا نسبتاً درازمدتی دارند نه ریشه در صرف نارضایتی‌های کوتاه‌مدت و محدود. از سوی دیگر، تحلیل‌گران بر این باورند که تنها با وجود شرایط و نارضایتی‌های ریشه‌دار، انقلاب رخ نمی‌دهد؛ لذا نیاز به ایجاد فرصت‌های سیاسی شتاب‌زای مساعد داخلی و خارجی است که عبارتند از: **شکاف در نخبگان حاکم** در ارتباط با نحوه برخورد با اپوزیسیون، **کاهش جدی طرفدار رژیم** به دلایل گوناگون، **بحران شدید اقتصادی** و تشدید بحران کارآمدی و مشروعیت رژیم به تبع آن، **افشای ابعاد جدی فساد سیاسی و اقتصادی مقامات حکومتی** و وقوع انقلاب در کشورهای همسایه در شرایط مشابه با این کشور.

مهم‌ترین عامل شتاب‌زا در شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های اجتماعی علیه مبارک، شکل‌گیری جنبش اجتماعی در تونس بود که منجر به پایان بیش از چهار دهه حکومت **بن علی** شد. در ادبیات نظری، هانتینگتون از آن با اصطلاح "اثرات سرایتی یا گلوله برف" یاد می‌کند. بر این اساس، مردم مصر حرکت انقلابی مردم تونس را به عنوان الگو برگرفتند و تا لحظه سقوط مبارک و حتی پس از آن نیز استمرار دادند. با این وجود باید

^۱. تحولات داخلی مصر و سناریوی آینده به نقل از سایت پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

گفت که سقوط مبارک ریشه در نارضایتی‌های ساختاری و اجتماعی ریشه‌دار در دهه‌ها اقتدارگرایی داشت و انقلاب تونس به عنوان محرک در ظهور جنبش‌های اجتماعی فراگیر اخیر، فوران اعتراضات و خشم مردم و همگرایی جریانات سیاسی - اجتماعی برای سقوط دشمن مشترک عمل کرد.^۱

علاوه بر این عامل شتاب‌زا می‌توان به عوامل دیگر در به نتیجه رسیدن این جنبش اشاره کرد که به اجمال عبارتند از:

۱. **واقع بینی، درایت و خرد ورزی زمان شناسانه** جریانات اصلی سیاسی و اجتماعی در طیف اسلام‌گرای میانه‌رو، ملی‌گرا و لیبرال برای ایجاد ائتلاف و تاکید آن‌ها بر ضرورت ائتلاف؛

۲. **حمایت جدی توده‌های مردمی ناراضی** از فراخوان جریانات سیاسی - اجتماعی برای پیوستن به جنبش‌های اجتماعی و انقلابی اخیر و استمرار حضور بسیار گسترده آن‌ها در قاهره و گسترش آن به شهرهای دیگر. قابل ذکر است که حتی رهبران جریانات به نوعی در مقابل فعالیت شدید توده‌ها دچار حیرت شدید شدند و توده‌ها با خود انگیزختگی قابل توجهی عمل کردند و تنها دنباله رو رهبران نبودند؛

۳. **جنبش فراگیر و میلیونی مردم و هم‌گرایی بین جریانات سیاسی - اجتماعی مصر و تحولات تونس**، باعث بالا بردن هزینه‌های سرکوب برای حکومت و تن دادن گریزناپذیر مبارک به قبول واقعیت تلخ کناره‌گیری از قدرت شد؛

۴. **قدرت‌های خارجی به ویژه آمریکا نیز به ناچار رویه خود را تغییر داده و ابتدا بر گسترش اصلاحات و در نهایت، با فراگیری جنبش، بر کناره‌گیری متحد خود رضایت دادند.^۲**

نیروهای موجود در عرصه سیاسی مصر

در حال حاضر سه نیروی مشخص در عرصه سیاسی مصر قابل تفکیک می‌باشند

^۱. خلیل الله سردارنیا، تحلیل ساختاری و کنشگرا بر جرایم تثبیت حکومت اقتدارگرا در مصر (از دهه ۱۹۸۰ تا زانویه ۲۰۱۱).

فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۲۸.
^۲. همان، ص ۱۲۹.

که هر یک نگرش متفاوتی نسبت به دگرگونی‌های کنونی مصر و وضعیت آینده آن دارند. این سه نیرو عبارتند از:

حزب دموکرات ملی: اولین نیرو، جریانی است که از درون حزب دموکراتیک ملی حاکم بر مصر ناشی شده است. این جریان بر آن است که وضعیت کنونی کشور، بحرانی نیست و وضعیت کنونی مصر یک وضعیت کاملاً طبیعی و سیری عادی در کشوری رو به توسعه می‌باشد. از جمله چهره‌های شاخص این جریان می‌توان به **عبدالمنعم سعید، حمدی رزاق، حازم بیلای و علی‌الدین هلال** اشاره کرد.

ملی‌گرایان مصری: دومین نیرو یا جریان سیاسی، ملی‌گرایان مصری می‌باشند. این مجموعه شامل ملی‌گرایان سکولار قدیمی و همچنین لیبرال‌ها و احزاب و جریان‌های دموکراسی خواه می‌شود. از نظر این نیروها مصر وارد مرحله بحرانی شده و اوضاع این کشور بحرانی است. به باور این گروه برای خروج از وضعیت بحرانی کنونی، اصلاح قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد با نظارت بین‌المللی ضروری است. از چهره‌های شاخص این جریان می‌توان به **محمدحسین هیکل، محمدالبرادعی و ایمن نور** اشاره کرد. احزابی چون **الغد، الوفد الجديد و التجمع** در این مجموعه جای می‌گیرند.

اسلام‌گرایان: جریان سوم شامل اسلام‌گرایان مصری می‌شود. به باور این گروه قانون تنظیم کننده است و چیزی ایجاد نمی‌کند. بدین معنا که قانون وضعیت موجود در جامعه را تنظیم می‌کند و چیزی به آن نمی‌افزاید. برای مثال قانون سال ۱۹۲۳م، کثرت‌گرایی موجود در جامعه را تنظیم کرد و آن را به وجود نیاورد. بنابراین اصرار اپوزیسیون بر اصلاحات قانونی چندان درست نیست. به باور اسلام‌گرایان، اصلاح قانون اساسی وضعیت را بدتر می‌کند. آن‌ها با اشاره به اصلاحات سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۷م، بیان می‌کنند که اصرار اپوزیسیون بر اصلاحات، منجر به قانونی شدن دیکتاتوری در مصر از طریق بالا بردن اختیارات رئیس‌جمهور شد. بنابراین اصلاحات باید از جامعه شروع شود و جامعه برای دگرگونی‌ها آماده شود. از مهم‌ترین چهره‌های این جریان می‌توان به **"فهمی هویدی"** و **"طارق البشیری"** اشاره کرد. اخوان المسلمین اصلی‌ترین جریان در

این مجموعه می‌باشد.^۱

با این که می‌توان جریان‌ها و نیروهای دیگر را در عرصه سیاسی مصر یافت که در این تقسیم‌بندی جای نمی‌گیرند، اما این سه جریان در حال حاضر صحنه‌گردان اصلی عرصه سیاسی مصر می‌باشند که مهم‌ترین آن اخوان المسلمین است که به بررسی آن می‌پردازیم.

اخوان المسلمین

جمعیت اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ م توسط حسن البنا تأسیس شد و هدف آن تأسیس حکومتی در مصر بر اساس قوانین و آموزه‌های دینی بود. اخوان المسلمین از بدو تأسیس در سال ۱۹۲۸ تاکنون، از مهم‌ترین و فعال‌ترین نیروهای اجتماعی و سیاسی مصر و برخی دیگر از کشورهای خاورمیانه بوده است.^۲ گستردگی سازمان و تعداد اعضا و نیز گستره فعالیت این سازمان، آن را به خصوص از فردای کودتای ۱۹۵۲، تحت تعقیب پلیس قرار داد و از آن دوره تاکنون، هزینه‌های سیاسی بسیاری را متحمل شده است.

محاكمه‌های نظامی متعدد، شکنجه، زندان و اعدام صدها تن از اعضا از جمله ثمره‌های تعامل اخوان با رژیم حاکم بر مصر، از ۱۹۵۲ م تاکنون، بوده است. حسنی مبارک برای ایفای نقش ژاندارم منطقه و مقابله با موج نارضایتی‌های داخلی در طول ۳ دهه گذشته، بسیاری از اعضای جنبش پرنفوذ اخوان المسلمین را در زندان‌های مختلف زندانی و حتی به قتل رساند.^۳ اخوان المسلمین البته در دهه اخیر به نوعی مصالحه با رژیم مبارک رسید، امری که در سال ۲۰۰۵ م، به رسیدن ۸۸ تن از اعضای اخوان به پارلمان مصر (۲۰ درصد) انجامید. اما پیش از آغاز دگرگونی‌های شتابان پس از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ م، با اخراج کامل اخوان از پارلمان مصر، گروه اخوان المسلمین در مقابل رژیم قرار گرفته بود؛ هرچند همچنان گام نهادن به خیابان‌ها را به سود خود نمی‌دید.

^۱ تحولات داخلی مصر و سناریوهای آینده آن، مرکز تحقیقات استراتژیک شنبه، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰

^۲ Guide Islamist Movements, Barry Rubin, vi:xx

^۳ www.jomhourieslami.com/۱۳۸۹/۱۳۸۹۱۱۲۴/۱۳۸۹۱۱۲۴_۰۹_jomhori_islami_siasi

به همین جهت بود که شروع اعتراضات در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱م، اخوان در این تظاهرات شرکت نکرد و رهبران اخوان تا ۲۸ ژانویه ورود به خیابان‌ها را به دلیل تهدیدات دستگاه‌های امنیتی، در دستور کار قرار ندادند. از ۲۸ ژانویه اخوان‌المسلمین در کنار سایر نیروها وارد اعتراضات خیابانی شد، امری که در نهایت به سقوط مبارک در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱م انجامید. طبعاً ورود اخوان‌المسلمین به خیابان‌ها، قدرت و شدت تظاهرات مردمی را دو چندان ساخت و در واقع، توافق اخوان با سایر احزاب و نیروها، مبنی بر لزوم کناره‌گیری مبارک، به تداوم تظاهرات ۱۱ فوریه انجامید. به هر شکل خلاصه کردن تحولات مصر در تحركات اخوان نادرست است؛ زیرا اخوان خود از شدت و گستره تظاهرات در وهله نخست غافل‌گیر شد و پس از انتخاب معاون رئیس‌جمهور، همگام با سایر نیروها با وی وارد مذاکره شد. اما فشار جوانان حاضر در خیابان‌ها و میدانی قاهره و سایر شهرها و انتقادات چهره‌هایی چون البرادعی و قرضاوی و... و در نهایت تداوم تظاهرات به رغم مذاکره، آن‌ها را به عدم تداوم مذاکرات کشاند.

تحولات مصر را هیچ جریانی نمی‌تواند به خود نسبت دهد، همچنان که مصادره نتایج آن نیز نمی‌تواند از سوی هیچ جریانی انجام شود. تحولات مصر نتیجه اتفاق اراده احزاب و گروه‌های اپوزیسیون با ملت و تمرکز آن‌ها حول هدف سرنگونی مبارک بود. لذا باید در این چهارچوب سقوط مبارک را مبتنی بر اراده‌ای ملی دانست.^۱

اما در جریان تحولات اخیر اخوانی‌ها به روشنی اعلام کرده‌اند ضمن آن که به تمامی قواعد و رویه‌های بازی دموکراتیک پایبند هستند، به دنبال حکومتی غیرنظامی و دموکراتیک با مرجعیت مذهبی هستند. این نظر به معنای آن است که اخوان به دنبال حکومتی لیبرال دموکراتیک یا تتوکراتیک نیست، و الگوی حزب عدالت و توسعه (ترکیه) را می‌پسندد که دولتی مدنی با گرایش بارز مذهبی را تشکیل داده است. گفتنی است در جریان بازبینی خط‌مشی سیاسی اخوان در سال ۲۰۰۷م پیشنهاد گردید که یک شورای

^۱ نقش و تحركات اخوان‌المسلمین در دگرگونی‌های مصر، توسط گروه مطالعات خاورمیانه و خلیج فارس، سایت پژوهشکده تحقیقات راهبردی

عالی مذهبی، برای تطبیق قوانین با اصول اسلامی و شریعت، تشکیل شود. پیشنهاد تشکیل "شورای روحانیون ناظر" جنبال زیادی در مطبوعات مصر برپا کرد و در همان زمان کنار گذاشته شد. در هر حال، این که تمایل اخوانی‌های مصر برای جمع‌بستن میان اسلام و دموکراسی چگونه عملی شود، به گذشت زمان و بررسی سایر متغیرهای دخیل داخلی و خارجی نیاز دارد، اما نمی‌توان بهره‌گیری از تجربه ترکیه را از نظر دور داشت. البته اختلافی در این زمینه بین رهبران و فعالان اخوان وجود دارد و برخی خواستار تلاش برای تاسیس حکومت اسلامی در این کشور و زمینه‌سازی برای بازگشت حاکمیت جهانی اسلام شده‌اند، اما این عده سخنگوی گرایش غالب اخوان‌المسلمین نیستند.^۱

سطوح و آینده تحولات مصر

قیام مردم مصر بعد از تحولات تونس و خروج رئیس‌جمهور این کشور در حالی آغاز شد که شرایط مصر در آستانه بی‌ثباتی و تحولات جدی بود. با توجه به محدودیت‌های اعمال شده از سوی مبارک در خصوص روند دموکراتیک کشور و بستن فضای سیاسی مصر، به خصوص آنچه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۱۰ نمایان شد، حکومت مصر امکان هرگونه مشارکت احزاب و گروه‌های مخالف در ساختار قدرت و برخورداری آن‌ها از فضای باز سیاسی، رسانه‌های و مطبوعات را از بین برد. در این وضعیت همان‌گونه که برخی از صاحب‌نظران پیش‌بینی می‌کردند، تحول در مصر بسیار محتمل بود و آغاز این تحولات و بی‌ثباتی‌ها نیازمند یک حادثه خاص بود. سرانجام تحولات تونس بود که منجر به آغاز قیام مصری‌ها و اعتراضات گسترده آن‌ها علیه دولت مبارک شد.^۲

بسترها و ریشه‌های اعتراضات و تحولات کنونی مصر، به متغیرهای مختلفی به خصوص فضای بسته سیاسی و اقتدارگرایی نظام سیاسی، معضلات و چالش‌های اقتصادی مردم و حتی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت مبارک، نسبت داده می‌شود. مسائلی

^۱ . <http://peace-ipsc.org/fa/?p=۱۵۰۶>

^۲ . علی اکبر اسدی، تحولات سیاسی مصر؛ رویکردها و پیامدهای منطقه‌ای (شماره ۴)، سایت پژوهشکده تحقیقات راهبردی

که در شعارهای مردم در اعتراضات و درخواست‌های گروه‌های سیاسی نیز آشکار است. مهم‌ترین درخواست‌های معترضین و گروه‌های سیاسی مخالف مصر شامل کنار رفتن حسنی مبارک از قدرت، اصلاح قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک، فضای باز سیاسی و آزادی بیان و اصلاحات اقتصادی بود. با کنار رفتن مبارک و سپردن قدرت به شورای عالی نظامی، اکنون مخالفان، سایر مطالبات را پی‌گیری می‌کنند؛ هر چند گروه‌های مختلف، رویکردهای متفاوتی را در خصوص هر یک از مسائل مطرح شده دنبال می‌کنند.^۱

رژیم مبارک در ابتدا تلاش کرد تا تظاهرات مردمی و مخالفت گروه‌ها را کنترل و سرکوب نماید، اما با گسترش اعتراضات به شهرهای بزرگ مصر، تظاهرات‌های میلیونی مردم و ناتوانی رژیم در کنترل آن‌ها، بی‌طرفی نسبی ارتش و عدم توسل به سرکوب گسترده اعتراضات و همچنین فشارها و درخواست‌های بین‌المللی، حکومت مجبور شد تا امتیازاتی را به معترضین بدهد. انحلال کابینه و تشکیل دولت جدید به نخست‌وزیری احمد شفیق، انتصاب عمر سلیمان به سمت معاونت رئیس‌جمهور، تعلیق فعالیت پارلمان مصر، وعده حرکت در جهت دموکراسی و اصلاحات اقتصادی، اعلام عدم کاندیداتوری مجدد در انتخابات ریاست جمهوری آینده از سوی حسنی مبارک و فرزندش جمال مبارک و سرانجام کناره‌گیری مبارک از قدرت، مهم‌ترین واکنش‌ها و عقب‌نشینی‌های رژیم مبارک در مقابل معترضین بوده است.

اما در مجموع، شرایط محتمل برای آینده مصر را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

انتقال قدرت از نیروهای مسلح به دولت انتقالی غیرنظامی، متشکل از گروه‌های سیاسی گسترده‌تر به صورت تدریجی؛ اصلاح بندها و موادی از قانون اساسی؛ برگزاری انتخابات نسبتاً آزاد و دموکراتیک؛ تداوم نقش ارتش در عرصه سیاسی به عنوان بازیگری ملی و تأثیرگذار؛ فضای نسبتاً باز سیاسی و رسانه‌ای - مطبوعاتی و انجام برخی اصلاحات در عرصه اقتصادی.

^۱ همان.

با توجه به شرایط کنونی مصر، درخواست‌ها و تداوم فعالیت گروه‌های مخالف، کنار رفتن مبارک و سپرده شدن قدرت به شورای عالی نظامی این کشور، به نظر می‌رسد که اجماعی کلی در خصوص انتقال قدرت در حال شکل‌گیری است. ارتش و نیروهای مسلح مصر، در مقطع کنونی اصلی‌ترین نقش را در روند انتقال قدرت برعهده دارند و بر ساختار قدرت آینده مصر، تاثیر زیادی خواهند داشت. به همین منظور در ادامه به بررسی جایگاه ارتش در نظام سیاسی مصر می‌پردازیم.

جایگاه ارتش مصر

مصر دارای بزرگ‌ترین ارتش در قاره آفریقا و در جهان عرب است. از لحاظ تعداد نیرو، ارتش مصر مقام دهم را در میان ارتش کشورهای جهان دارا است. ارتش این کشور دارای ۴۸۰ هزار نفر نیرو و ۹۰۰ هزار نفر ذخیره می‌باشد. تجهیزات ارتش این کشور به‌طور عمده غربی و شامل ۳۰۰۰ تانک؛ ۵۷۹ فروند هواپیما از جمله ۲۳۰ فروند اف ۱۶ است. ارتش مصر یکی از معدود ارتش‌هایی است که دارای ماهواره‌های شناسایی می‌باشد. قبل از وقایع اخیر، ارتش از ایفای نقش در امور حکومتی بر کنار بود، ولی اینک ارتش در مرکز صحنه سیاسی قرار گرفته و به عنوان یک نهاد مسلط، مأمور برقراری ثبات، امنیت و مدیریت امور در دوره انتقالی است.

در گذشته تعداد زیاد نظامیان در مصر مورد انتقاداتی قرار داشته و از جمله گفته‌اند که این تعداد نظامی برای زمان صلح ضروری نمی‌باشد و از لحاظ اقتصادی، بار مالی زیادی را به بودجه دولت تحمیل می‌کند. در مقابل، عده‌ای معتقدند که این تعداد نیرو برای حفظ سطح اشتغال در کشور ضروری بوده و به گفته آنان، ارتش برای حدود ۱۲ درصد از جوانان مصر و صنایع نظامی نیز برای بیش از ۱۰۰ هزار نفر شغل ایجاد کرده است. در واقع، ارتش مالک کارخانجات و شرکت‌های متعددی است که به تولید انواع محصولات مصرفی، اعم از مواد غذایی، کالاهای ساختمانی مانند سیمان، اتومبیل، دارو و مصنوعات دیگر می‌پردازد. ارتش همچنین بزرگ‌ترین مالک زمین در بخش عمومی کشور است. در مجموع افسران ارتش از حقوق‌های بالاتر، مسکن بهتر و بهداشت مناسب‌تر برخوردار

می‌باشند؛ البته بر بودجه دفاعی ۴/۵۶ میلیارد دلاری مصر نیز کنترل چندانی وجود ندارد. بودجه دفاعی مصر در سال ۲۰۱۰م، از سایر همسایگان آفریقایی آن کشور بیشتر بوده، ولی رقم آن از دو همسایه خاورمیانه‌ای آن یعنی اسرائیل و عربستان سعودی، کمتر است. با توجه به شرایط مذکور، برخی ناظران پیش‌بینی می‌کنند که ارتش برای تداوم موقعیت و مزایای اقتصادی که از آن برخوردار است، سیاست‌هایی را در پیش خواهد گرفت که در آینده به این موقعیت ویژه خدشه‌ای وارد نشود.^۱

ارتش مصر که سابقه دفاع از میهن را در دو جنگ علیه اسرائیل به عهده داشته است، از وجهه بالایی در جامعه برخوردار است و در قیام اخیر مردم مصر نیز، برخلاف نیروهای پلیسی و امنیتی، از اعمال خشونت علیه مردم خودداری نمود. در مقطع کنونی، نقش ارتش به‌طور عمده برقراری نظم و تضمین امنیت شهروندان می‌باشد، ولی در عین حال و با توجه به ادامه تظاهرات مردمی و خواست آنان برای داشتن یک نظام دموکراتیک، ارتش تلاش می‌کند تا به مردم این اطمینان را بدهد که خواست آنان را تحقق خواهد بخشید و زمینه‌های برگزاری یک انتخابات آزاد را تا پایان سال جاری میلادی، فراهم خواهد نمود. از سوی دیگر و با توجه به اوضاع نامطلوب اقتصادی، ارتش سعی دارد تا با اقداماتی از وخیم‌تر شدن وضعیت رفاهی مردم جلوگیری نماید. یکی از دغدغه‌های مهم ارتش، جلوگیری از بروز شرایطی است که به رویگردانی مردم از ارتش و ایجاد یک ارتش مردمی در رقابت و رویارویی با آن منتهی شود. در این خصوص ظاهراً ارتش مصر به تجربه انقلاب اسلامی در ایران و پدید آمدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توجه دارد. در واقع ارتش مصر به عنوان یک نهاد قدرتمند که علاوه بر قدرت نظامی به منابع مالی و اقتصادی عمده‌ای در جامعه مصر تسلط دارد، اینک در راس حکومت قرار گرفته و نقش مهمی را در دوره انتقالی حکومت و احتمالاً دوران پس از آن، در صحنه سیاسی مصر ایفا خواهد نمود. موفقیت ارتش مصر در تامین ثبات و آرامش در دوره انتقالی و جایگاه آینده آن در صحنه سیاسی، تا حد زیادی به نحوه تعامل آن با گروه‌های فعال در صحنه داخلی

۱. ناصر ثقفی عامری، جایگاه ارتش در «مصر جدید»، رویکردها و تحلیل‌ها، مرکز تحقیقات استراتژیک

مصر از جمله **اخوان المسلمین** و چگونگی برقراری توازن در روابط با قدرت‌های خارجی بستگی خواهد داشت. ارتش مصر اینک با چالش‌های مهمی برای مدیریت بحرانی که کشور با آن روبه‌رو است، مواجه می‌باشد. زیرا از یک سو مسئولیت اصلی تامین امنیت و حفظ نظم را به‌عهده دارد و از سوی دیگر، با فشارهای فزاینده داخلی برای تغییرات ضروری و پالایش نظام به ارث رسیده از دوران مبارک، مواجه است. علاوه بر این، فشارهای خارجی به ویژه از سوی آمریکا و غرب، برای حفظ مصر در مدار غرب و پایبندی آن کشور به حفظ معاهده صلح با اسرائیل، وجود دارد. تحت این شرایط، از یک سو قیام مردم مصر بر آزادی و گسستن از سیاست‌های انقیادآمیز دوره مبارک تاکید دارد، ولی از سوی دیگر وابستگی‌های به وجود آمده طی دهه‌های گذشته به کمک‌های آمریکا، ارتش مصر را در وضعیتی دشوار قرار داده است. در مجموع به نظر می‌رسد که ارتش در حال حاضر و احتمالاً برای کل دوره انتقالی، به نوعی سیاست مماشات و موازنه سازی میان نیروهای فعال در صحنه داخلی و خارجی روی آورده است.^۱

دکتر **سید عبدالامیر نبوی**، متخصص و کارشناس مسائل مصر در این رابطه می‌گوید:

«آنچه که می‌تواند سبب حضور و دخالت بیشتر ارتش شود - و البته با کودتا و بازگشت شرایط پیشین تفاوت دارد - بروز و تشدید ناآرامی و آشفتگی در جامعه مصر است. جدا از انفجار چندباره در خط لوله گاز مصر به اردن و اسرائیل، و یا تخریب برخی آرامگاه‌ها و زیارتگاه‌ها به دست گروه‌های سلفی، به تازگی گفته شده است که یک گروه نظامی توسط مسیحیان مصر تشکیل شده است تا در صورت بروز خطر به مقابله برخیزد. می‌دانیم که از دیرباز اختلافات مذهبی و فرقه‌ای در این کشور وجود داشته است و سالانه، به طور متوسط، سه درگیری بزرگ و دامنه‌دار مذهبی و فرقه‌ای میان مسلمانان و مسیحیان رخ می‌دهد. حال، این نگرانی وجود دارد که تشدید چنین درگیری‌هایی و به خطر افتادن امنیت عمومی، موجب

شود روند انتقال مسالمت‌آمیز قدرت به تاخیر بیفتد. نکته دیگر آن‌که پس از تشکیل پارلمان و نیز مشخص شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری، ممکن است تصمیماتی گرفته شود که چندان به سود ارتش نباشد و اختلافاتی را ایجاد کند. بدیهی به نظر می‌رسد که ارتش در برابر چنین تصمیماتی مقاومت، و با از دست دادن منابع و منافع اقتصادی خود مقابله کند. اتفاقاً برخی از رهبران جنبش اعتراضی معتقدند که ائتلافی ناگفته میان اخوان و ارتش شکل گرفته است تا در خلال انتقالی مهارشده، منافع طرفین رعایت گردد. آنان به ویژه به همه‌پرسی اصلاح قانون اساسی (۱۹ مارس) اشاره می‌کنند که اخوان همچون شورای عالی نیروهای مسلح خواستار رای مثبت مردم به اصلاحات صورت گرفته شد، و در این راه تمامی امکانات خود را بسیج کرد. این همراهی برای برخی چنان گران آمد که یکی از فعالان سیاسی گفته بود: «در همه‌پرسی تقلب صورت نگرفت، ولی عاری از اعمال نفوذ هم نبود.» پذیرش این همراهی و این‌که تداوم و تقویت پیدا کند، احتمال تکرار تجربه ترکیه را به ذهن متبادر می‌کند. با این حال، تحلیل واقع‌بینانه نقش و جایگاه ارتش و تغییرات احتمالی آن در گرو آن است که ببینیم اکثریت پارلمانی، طی انتخابات سپتامبر، در اختیار چه حزب یا ائتلافی قرار می‌گیرد.^۱

قانون اساسی

استعفای مبارک پس از ۳۰ سال حاکمیت که نتیجه گسترش اعتراضات مردمی بود، موجب شد که وضعیت مصر دگرگون شود و از جمله قانون اساسی این کشور مورد بازنگری قرار گیرد. بر اساس این بازنگری، که در کمیته‌ای به ریاست طارق البشري

^۱ تحلیل تحولات جاری مصر در مصاحبه با دکتر سید عبدالامیر نبوی برگرفته از سایت

انجام شد، ماده ۹ اصلاح و ماده حذف شد.^۱ بر اساس اصلاحات جدید صورت گرفته دوره ریاست جمهوری در مصر به حداکثر ۴ سال کاهش می‌یابد و یک فرد بیش از دو بار و حداکثر ۸ سال نمی‌تواند، این پست را احراز کند. البشیری گفت: از دیگر موارد اصلاحی این است که سن نامزدها حداقل ۴۰ سال بوده و دارای پدر و مادر و ملیتی مصری و نداشتن تابعیت کشور دیگر و همسر خارجی است از دیگر تغییرات حاصله در شرایط شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و کاندیداتوری در آن به شرح ذیل می‌باشد:

الف- حداقل ۳۰ نماینده باید نامزد انتخابات ریاست جمهوری را تأیید کند:

ماده ۷۶: مربوط به شرایط کاندیداتوری برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری فرض می‌نماید که انتخاب رئیس جمهور باید بصورت رای مخفی و برگزاری همه پرسی عمومی و مستقیم باشد و کاندیدای شرکت کننده در انتخابات باید مورد تأیید حداقل ۳۰ نماینده منتخب پارلمان یا حداقل ۳۰ هزار شهروند مصری مجاز به شرکت در انتخابات و دادن رای از حداقل ۱۵ استان باشد. بر اساس اصلاحات صورت گرفته در ماده ۷۶ هریک از احزاب سیاسی که نمایندگان آن حداقل یک کرسی را در پارلمان ملت یا مشورتی احراز نموده‌اند، می‌توانند یکی از اعضای خود را برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری معرفی نمایند و هیئت عالی قضایی که کمیته نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری نامیده می‌شود، بر برگزاری انتخابات نظارت و اشراف خواهد داشت. ریاست این کمیته برعهده رئیس دادگاه عالی قانون اساسی است و اعضای آن را رئیس دادگاه تجدید نظر قاهره و قدیمی‌ترین عضو دادگاه قانون اساسی و قدیمی‌ترین عضو دادگاه تجدید نظر و کابینه دولت تشکیل می‌دهند.

ب- ماده ۱۳۹: رئیس جمهور را ملزم می‌نماید ظرف حداکثر ۶۰ روز پس از انتخاب و تصدی پست یک معاون یا بیشتر را انتخاب و اختیارات وی را بصورت شفاف و دقیق

^۱ سید عبدالامیر نبوی، انتخابات ریاست جمهوری مصر در سال ۲۰۱۱؛ چهره‌های جدید، رقابت فزاینده، مرکز مطالعات خاورمیانه

مشخص نماید و در صورت عدول از اختیارات محوله یا عدم ادای وظایف محوله اقدام به برکناری وی و انتخاب فرد دیگری نماید.

ج- از جمله تعدیلات مهم دیگر صورت گرفته، افزودن ماده ۱۸۹ قانون اساسی است که به رئیس جمهور پس از کسب موافقت دولت یا نیمی از اعضای دو پارلمان مشورتی و ملت اجازه داده می‌شود، درخواست تدوین قانون اساسی جدید را نماید و هیئتی متشکل از ۱۰۰ نفر که اعضای آن را نمایندگان دو مجلس مشورتی و ملت مشخص خواهند کرد، در نشستی مشترک تدوین طرح قانون اساسی جدید را ظرف مدتی که نهایتاً بیش از ۶ ماه بطول نیانجامد بر عهده خواهند گرفت.

د- تمدید حالت فوق‌العاده منوط به برگزاری همه‌پرسی عمومی است اصلاحات صورت گرفته بر ماده ۱۴۸ نیز این اختیار را به رئیس جمهور داد تا در شرایط مقتضی وضعیت فوق‌العاده را در کشور اعلام نماید، با این شرط که ظرف حداکثر ۷ روز دلایل اعلام حالت فوق‌العاده در کشور را به پارلمان ملت گزارش کند. اصلاحات صورت گرفته در این ماده تأکید می‌کند، اعلام حالت فوق‌العاده فراتر از ۶ ماه نخواهد بود و تمدید آن منوط به برگزاری همه‌پرسی عمومی و موافقت با تمدید آن است.^۱

و- ماده ۷۵: کاندیدای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری باید دارای پدر و مادری مصری و برخوردار از حقوق اجتماعی و سیاسی باشد و خود و والدینش دارای تابعیت و شناسنامه کشور دیگر نباشند و همچنین دارای همسر خارجی نباشد و سن او کمتر از ۴۰ سال نباشد.

ه- ماده ۷۶: رئیس جمهور از طریق انتخابات مخفی و مستقیم و برگزاری همه‌پرسی عمومی انتخاب خواهد شد. شرایط کاندیداتوری جهت شرکت در انتخابات ریاست جمهوری کسب موافقت و تأیید حداقل ۳۰ نماینده از نمایندگان دو پارلمان ملت و مشورتی یا حداقل ۳۰ هزار شهروند مصری مجاز به شرکت در انتخابات و دادن رأی از حداقل ۱۵ استان است به شرط آن که تعداد تأیید کاندیدای ریاست جمهوری در هر استان

^۱ .<http://strategieview.org/>.

کمتر از ۱۰۰۰ نفر نباشد. همچنین این تاییدها و حمایت‌ها نباید برای بیش از یک کاندیدا باشد (به عنوان مثال اگر در استانی ۱۰۰۰ نفر تایید کننده وجود داشته باشند فقط می‌توانند حمایت خود را از یک نماینده و نه بیشتر اعلام کنند).

هر یک از احزاب سیاسی نیز که حداقل یک کرسی از طریق انتخابات در هر یک از دو پارلمان مشورتی و ملت احراز کرده باشد، مجاز است یکی از اعضای خود را نامزد شرکت در انتخابات ریاست جمهوری نماید. و یک هیئت قضایی و دادرسی عالی که کمیته نظارت بر انتخابات نامیده می‌شود، از زمان اعلام آغاز ثبت نام نامزدها تا اعلام پایان نتیجه انتخابات بر روند برگزاری انتخابات و اجرای کامل آن نظارت خواهد داشت.

اعضای این کمیته عبارتند از: ۱- رئیس دادگاه عالی قانون اساسی که ریاست این کمیته را برعهده دارد، ۲- رئیس دادگاه تجدید نظر قاهره، ۳- قدیمی‌ترین عضو دادگاه عالی قانون اساسی، ۴- قدیمی‌ترین عضو دادگاه تجدید نظر و کابینه دولت.

تصمیمات گرفته شده توسط این هیئت، نهایی و به خودی خود قابل اجرا است و نیاز به تایید مقام یا نهادی در کشور ندارد و کمیته در قبال تصمیمات اتخاذ شده برابر هیچ مقام یا نهادی در کشور پاسخگو نخواهد بود. کمیته نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، کمیته‌های نظارت بر رای‌گیری و شمارش آرا را بر اساس آنچه در ماده ۸۸ قانون اساسی آمده و نحوه برگزاری منظم انتخابات ریاست جمهوری پیش از صدور گزارش میزان مطابقت آن با قانون اساسی به دادگاه عالی قانون اساسی ارائه می‌شود و دادگاه عالی قانون اساسی موظف است، ظرف حداکثر ۱۵ روز عدم مغایرت اجرای انتخابات ریاست جمهوری با قانون اساسی را اعلام و نظر خود را سه نوبت متوالی از تاریخ صدور رای در روزنامه رسمی منتشر نماید.

ماده ۷۷: مدت هر دوره ریاست ۴ سال میلادی و از زمان اعلام نتیجه انتخابات می‌باشد و هر کاندیدا مجاز است، تنها یک دوره ریاست خود را تجدید نماید.

ماده ۸۸: قانون، شرایط لازم را برای نمایندگان پارلمان ملت و شیوه برگزاری انتخابات و همه پرسی را مشخص می‌نماید. و کمیته‌ای عالی متشکل از هیئتی قضایی، نظارت و اشراف کامل بر انتخابات و همه پرسی را از زمان تهیه و تنظیم لیست‌ها و جدول‌های

انتخاباتی تا زمان اعلام نتیجه نهایی بر اساس آنچه در قانون اساسی آمده را برعهده دارد. ریختن آرا به صندوق‌ها و شمارش آن‌ها با نظارت و اشراف کامل نمایندگان و اعضای هیئت قضایی که مجالس عالی، آن‌ها را معرفی و انتخاب نموده، صورت می‌گیرد.

ماده ۹۳: دادگاه عالی قانون اساسی، مسئول بررسی سوابق و وضعیت نمایندگان پارلمان ملت است و اعتراضات وارده به گزارش و حکم دادگاه عالی قانون اساسی، باید ظرف ۳۰ روز از زمان پایان اعلام نتیجه نهایی انتخابات به دادگاه ارائه شود و دادگاه باید ظرف ۹۰ روز از زمان دریافت اعتراض، به آن‌ها رسیدگی و نتیجه رسیدگی خود را اعلام کند. از زمان اعلام گزارش دادگاه و ابلاغ آن به نماینده مورد نظر، به حکم دادگاه نمایندگی وی در پارلمان ملت لغو می‌شود.

ماده ۱۹۳: رئیس جمهور حداکثر تا ۶۰ روز از زمان تصدی پست ریاست جمهوری موظف است، یک یا چند معاون برای خود انتخاب و وظایف و اختیارات وی را مشخص کند و در صورت عدول از وظایف محوله یا بی‌کفایتی در انجام آن‌ها رئیس جمهور موظف به برکناری وی و انتخاب فرد دیگری است. تمام شرایط مذکور برای کسی که عهده‌دار منصب ریاست جمهوری می‌شود درباره معاونان وی نیز صدق می‌کند.

ماده ۱۸۴: رئیس جمهور می‌تواند بر اساس آنچه در قانون اساسی ذکر شده در کشور حالت فوق العاده اعلام نماید، به شرط آن که ظرف حداکثر ۷ روز دلایل اعلام حالت فوق العاده را در گزارشی به عرض پارلمان ملت برساند. در صورتی که پارلمان ملت منحل باشد، به محض تشکیل گزارش به آن ارائه خواهد شد. اعلام حالت فوق العاده باید با موافقت اکثریت نمایندگان پارلمان ملت باشد. در تمام موارد و حالات فوق‌الذکر اعلام حالت فوق العاده بیش از شش ماه بطول نخواهد انجامید و تمدید آن منوط به برگزاری همه پرسی و کسب موافقت عمومی با آن است.

ماده ۱۷۹: قانون اساسی مصر لغو و به **ماده ۱۸۹** بند ذیل اضافه گردید: رئیس جمهور می‌تواند با کسب موافقت اعضای کابینه دولت و نیمی از نمایندگان دو پارلمان مشورتی و ملت درخواست تدوین و صدور قانون اساسی جدید را بدهد و هیئتی متشکل از ۱۰۰ نفر که نخبگان حقوقی کشور می‌باشند، وظیفه تدوین قانون اساسی جدید را ظرف

نهایتاً ۶ ماه از زمان تشکیل هیئت برعهده خواهند گرفت و پس از ارائه به رئیس جمهور، وی موظف است ظرف ۱۵ روز آن را به همه پرسى عمومى بگذارد و قانون اساسى جديد از زمان اعلام موافقت مردم با آن لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۱۸۹ تکرار: اعضاى هیئت تدوین قانون اساسى جديد پس از پایان همه پرسى جهت اعلام نتیجه نهائى تشکیل جلسه داده و نتیجه همه پرسى را به اطلاع دو پارلمان مشورتى و ملت خواهند رساند. **ماده ۱۸۹ تکرار ۱:** (مجلس مشورتى پس از اعلام نتیجه نهائى همه پرسى موافقت با تدوین قانون اساسى جديد، هیئت تدوین قانون اساسى جديد با تمام اعضاى منتخبش تشکیل مى‌دهد. رئیس جمهور به محض انتخاب با تعیین یک سوم اعضا هیئت را تکمیل نموده و انتخاب این افراد با هدف تکمیل مدت باقى مانده از مجلس بر اساس آنچه در قانون آمده مى‌باشد).^۱

روز ۱۹ مارس سال ۲۰۱۱ برابر با ۲۸ اسفندماه سال ۱۳۸۹ همه پرسى اصلاحات قانون اساسى مصر که شامل اصلاح برخى قوانین و مقررات انتخاباتى بود برگزار شد و یک روز بعد شورای نظامى اعلام کرد ۷۷ درصد مردم به اصلاحات قانون اساسى رأى مثبت داده‌اند. این در حالى است که مشروعیت انتخابات برگزار شده به دلیل حضور نیافتن اکثریت مردم زیر سؤال قرار گرفته است. شرکت نکردن ۵۹ درصد مردم مصر، نشان مى‌دهد آن‌ها اصلاحات انجام شده را كافى نمى‌دانند و قانون اساسى باید مجدداً تدوین و به همه پرسى گذاشته شود. در انتخابات ۱۹ مارس ۱۸ میلیون نفر از ۴۵ میلیون واجد شرایط رأى دادن، پای صندوق‌ها حضور یافتند که ۴۱ درصد کل افراد بالغ مصر را تشکیل مى‌دهند. از ۱۸ میلیون شرکت کننده حدود ۱۴ میلیون نفر نیز به اصلاحات قانون اساسى رأى مثبت داده‌اند که ۳۱ درصد کل واجدان شرایط حضور در همه پرسى است. يعنى ۶۹ درصد مردم مصر یا در همه پرسى شرکت نکرده‌اند یا به آن رأى «نه» داده‌اند. اکثر انقلابيون مصرى اعلام کرده بودند که قانون اساسى باید پس از برگزاری انتخابات پارلمانى و ریاست جمهورى تغییر بنیادى کند و سپس به همه پرسى گذاشته شود اما شورای نظامى با تغییر چند بند قانون اساسى قبلى آن را به همه پرسى گذاشت.

^۱ <http://strategicreview.org/>

رابطه با اسرائیل

در دوره حسنی مبارک، سیاست خارجی مصر بیشتر بر مناطق جدید مانند اروپا، امریکا و شرق دور متمرکز شده است. با این حال، اولویت‌های سیاست خارجی مصر در این دوره به شرح زیر بود:

۱. پای‌بندی به قرارداد کمپ دیوید و ادامه‌ی روند صلح با اسرائیل. مصر معتقد است که با امضای قرارداد صلح با اسرائیل توانسته است صحرای سینا را بازپس‌گیرد و ناحیه‌ی مورد اختلاف طابا را از طریق اقدامات حقوقی در سال ۱۹۸۷ به مصر بازگرداند و در عین حال، روابط خود با کشورهای عربی را که به دنبال مذاکرات صلح قطع شده بود، بهبود بخشد. البته، مصر ناگزیر شده که به منظور بهبود روابط خود با کشورهای عربی و ایفای یک نقش فعال منطقه‌ای، روابط خود را با اسرائیل محدود نماید. بر همین اساس، انتظار ایران از مصر مبنی بر این که روابط خود را با اسرائیل قطع نماید و پیمان کمپ دیوید را لغو کند، بی‌نتیجه است. مصر صریحا اعلام کرده است که به روابط خود با اسرائیل ادامه خواهد داد و پیمان کمپ دیوید را نیز لغو نخواهد کرد. غالب پیش‌بینی‌ها حاکی از این است که دولت آینده مصر، سیاست‌های حسنی مبارک را در پیش نخواهد گرفت، چرا که این سیاست‌ها بر اساس همکاری با اسرائیل برای تداوم محاصره غزه استوار بود و افکار عمومی را رنج می‌دهد.

۲. دومین اولویت سیاست خارجی مصر، ادامه‌ی روابط نزدیک این کشور با امریکاست. مصر از نظر مالی و اقتصادی متکی به کمک‌های این کشور است و از زمان به قدرت رسیدن حسنی مبارک، روابط نزدیک خود را با امریکا حفظ کرده است. البته، این به آن مفهوم نیست که مصر با این کشور اختلاف نظر ندارد، زیرا دو کشور در مورد برخی مسایل مانند خاورمیانه‌ی بزرگ، جزئیات مذاکره صلح با اسرائیل و سیاست خارجی مصر نسبت به عراق، لیبی و سودان با یکدیگر اختلاف نظر دارند.^۱

در واقع می‌توان گفت در میان بازیگران منطقه‌ای، رژیم اسرائیل بیشترین نگرانی را در خصوص تحولات مصر داشته است. مقامات اسرائیل عنوان می‌کنند که دولت مبارک رویکرد

^۱ اصغر جعفری ولدانی، ایران و مصر؛ دیدگاه‌های متعارض پژوهش حقوق و سیاست شماره ۱۲ ص ۸۰

مثبتی در قبال اسرائیل طی سه دههٔ اخیر داشته است و به بهبود شرایط امنیتی این رژیم کمک کرده است. مصر پرجمعیت‌ترین کشور عربی است و بعد از اسرائیل، بزرگ‌ترین ارتش خاورمیانه را در اختیار دارد و بر این اساس، در روابط و رویکرد اعراب در خصوص اسرائیل، از اهمیت بسیاری برخوردار است. دولت مصر با امضای پیمان صلح کمپ‌دیوید با اسرائیل در زمان انور سادات، آغازگر عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل بود و همچنین به این رژیم در مقابله با گروه‌های مقاومت، بسیار کمک نموده است. ایجاد محدودیت برای حماس و مردم غزه و جلوگیری از ارسال کمک به این بخش از فلسطین در طول چند سال اخیر، از مهم‌ترین نمونه‌های کمک رژیم مبارک به اسرائیل محسوب می‌شود.

اسرائیل در حال حاضر از شرایط مصر بسیار نگران است، چرا که حسنی مبارک پیمان صلح بین دو رژیم را برای سی سال حفظ نمود. اسرائیل این پیمان را به عنوان سرمایه‌ای استراتژیک برای خود می‌داند و از این هراس دارد که تغییر رژیم در مصر، پیمان صلح کمپ دیوید را در معرض خطر قرار دهد؛ چرا که تسلط گروه‌های مخالف مانند اخوان المسلمین، می‌تواند به اتخاذ موضعی سرسختانه‌تر در مقابل اسرائیل منجر شود. تغییرات مصر می‌تواند به پیچیدگی شرایط استراتژیک اسرائیل منجر شود؛ زیرا این رژیم با حزب‌الله لبنان و حماس؛ به عنوان دو بازیگر منخاصم نیز مرزهای مشترک دارد. علاوه بر این، تحولات مصر می‌تواند بر اردن، به عنوان همسایهٔ دیگر اسرائیل نیز تأثیرگذار باشد و بر نگرانی‌های این رژیم بیافزاید.^۱

مقامات رژیم اسرائیل هر چند در ابتدا تلاش کردند تا در مورد تحولات مصر کم‌تر اظهار نظر مستقیم کنند، اما به ناچار بر پیامدهای جدی این تحولات بر امنیت اسرائیل و اهمیت حکومت مبارک برای این رژیم، اعتراف کردند. نکتهٔ مهم در خصوص مواضع مقامات اسرائیلی، اظهار نگرانی از تکرار انقلاب اسلامی ایران در مصر و به قدرت رسیدن اسلام‌گراها در این کشور بود.^۲ اظهاراتی که به صورت هدفمند^۳ و در جهت اعمال

^۱ . Robert Berger, Israel Fears Unrest in Egypt Could Jeopardize Peace Treaty, Janyary ۲۹, ۲۰۱۱ IN <http://www.latimes.com/>

^۲ . برای نمونه بنگرید به گفت‌وگوی بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر اسرائیل با آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان در :

<http://www.parset.com/news/shownews.aspx?Code=۲۹۰۰۶۵>

^۳ . www.la.merc.ir

محدودیت و فشار گسترده بر معترضان مصری، بیان شد. علاوه بر این، رسانه‌ها و مطبوعات اسرائیلی، از رویکرد اوباما در قبال تحولات مصر انتقاد کردند و به عدم حمایت جدی آمریکا از مبارک اعتراض نمودند.^۱ در واقع انقلاب مصر تاثیر زیادی بر امنیت رژیم صهیونیستی و استراتژی آمریکا در منطقه که مبتنی بر نفت و امنیت اسرائیل است خواهد گذاشت. پیروزی مردم مصر این دو ستون را متزلزل کرد چرا که بزرگ‌ترین اهرم اجرای این استراتژی حسنی مبارک بود که با استعفای وی و برکناری‌اش این اهرم از دست رفته است و آمریکا امروز بیش از پیش نگران آینده خاورمیانه و تامین منافعش است.^۲

نتیجه گیری

تحولات مصر و اعتراضات و قیام مردمی در این کشور، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که توجه به آن‌ها در تبیین تحولات، اهمیتی اساسی دارد. مصدر در حال حاضر در دوره گذار به دموکراسی است و در این دوره با بحران‌هایی از جمله اختلاف بین نیروهای سیاسی در مورد تعریف نقش و جایگاه خود در دولت آینده مواجه است. ولی به علت فقدان الگوی واحد حکومتی و رهبری واحد در میان آن‌ها، امکان این‌که در این مرحله ارتش در ساخت قدرت دخالت کرده و با حمایت آمریکا و غرب تلاش کند ساختار قدرتی مشابه با ساختار قدرت در دوران مبارک برقرار کند وجود دارد، در این بین ممکن است در این دوره قوه قضائیه و مجلس تصمیم بگیرد و ارتش در مقابل آن بایستد. در واقع آمریکا برای تامین منافع خود در مصر، سعی در انحراف و کنترل انقلاب سیاسی - اجتماعی مردم مصر و تغییر آن به سمت یک رفورم سیاسی و داخلی بدون تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی را دارد.

^۱ . <http://www.ghatreh.com/news/۶۸۴۲۳۷۵.html>.

^۲ . www.fā.merc.ir

منابع

۱. اسدی، علی اکبر، «تحولات سیاسی مصر؛ رویکردها و پیامدهای منطقه‌ای» شماره ۴، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۰.
۲. بی نام، تحولات داخلی مصر و سناریوهای آینده آن، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰.
۳. ثقفی عامری، ناصر، جایگاه ارتش در «مصر جدید»: رویکردها و تحلیل‌ها، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۹۰.
۴. جعفری ولدانی، اصغر، «ایران و مصر: دیدگاه‌های متعارض پژوهش حقوق و سیاست»، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۸۳.
۵. سردارنیه، خلیل الله، «تحلیل ساختاری و کنشگرا برجریایی تثبیت حکومت اقتدارگرا در مصر از دهه ۱۹۸۰ تا ژانویه ۲۰۱۱»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰.
۶. مصاحبه با دکتر سید عبدالامیر نبوی تحلیل تحولات جاری مصر در برگرفته از سایت: <http://peace-ipsc.org/fa/?p=۱۵۰۶>
۷. نبوی، سید عبدالامیر، «انتخابات ریاست جمهوری مصر در سال ۲۰۱۱: چهره‌های جدید، رقابت فزاینده»، مرکز مطالعات خاورمیانه ۱۳۹۰.
۸. نقش و تحركات اخوان المسلمین در دگرگونی‌های مصر، سایت پژوهشکده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۰.
۹. هلباوی، کمال، آینده سیاسی اسلامگراها، ارتش و خطرات فراروی انقلاب مصر برگرفته از سایت: www.iranroshd.ir
۱۰. THE MUSLIM BROTHERHOOD AND EGYPT'S SUCCESSION CRISIS, The Politics of Liberalisation and Reform in the Middle East, Mohammad Zahid , Tauris Academic Studies, ۲۰۱۰.
۱۱. Guide Islamist Movements, Barry Rubin, ۷۱, London, M.F. Sharpc, ۲۰۱۰.
۱۲. Robert Berger, Israel Fears Unrest in Egypt Could Jeopardize Peace Treaty, Janyary ۲۹, ۲۰۱۱ .
۱۳. www.jomhourieslami.com
۱۴. www.iranroshd.ir
۱۵. <http://strategicreview.org/>
۱۶. <http://pcacc-ipsc.org/fa/?p=۱۵۰۶>
۱۷. <http://www.latimes.com/>
۱۸. www.fa.merc.ir
۱۹. <http://www.parset.com/news/shownews.aspx?Code=۳۹۰۰۶۵>
۲۰. WWW.ghatreh.com/new/۶۸۴۳۳۷۵.html